

## مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری

غلامحسین اعرابی<sup>۱</sup>

### چکیده

مسأله مرجعیت علمی قرآن از دیرزمان توسط برخی دانشمندان اسلامی مثل شاطبی، غزالی، فخر رازی و دیگران مطرح و موافقان و مخالفانی داشته است. در دهه‌های اخیر نیز به این مسأله ورود شده، اما مصب بحث به روشنی بیان نگردیده است.

به نظر می‌رسد در حوزه مرجعیت علمی قرآن، باید چند اصطلاح مورد توجه قرار گیرد:

اول: مرجعیت علمی، به معنای حاکمیت قرآن بر همه چیز از جمله علوم. توضیح این که: به باور مسلمانان قرآن حق محض است و هر چه در تباین با قرآن باشد، باطل محض می‌باشد و لذا علوم در مبانی، مسائل و اهداف خود نباید در تباین با قرآن باشد. به نظر می‌رسد مرجعیت به این معنا مورد اتفاق مسلمانان است.

دوم: جامعیت علمی قرآن، به این معنا که قرآن جامع علوم اولین و آخرین است؛ جامعیت بدین معنا مورد اختلاف دانشمندان اسلامی است، مثلاً شاطبی مخالف و غزالی موافق آن است.

سوم: منبعیت علمی قرآن، به معنای این که قرآن به مثابه سرچشمه و معدن علوم است و لذا مبانی، مواد و اهداف علوم در قرآن وجود دارد؛ اما به صورت درآوردن و بالفعل کردن علوم نیاز به استخراج و استنباط دارد، همان گونه که در معدن طلا، صنایع فرآوری شده آن وجود ندارد و فرایندی را باید طی کند.

چهارم: تفسیر علمی قرآن به معنای استفاده از فرآورده‌های علمی در تفسیر و تبیین آیات قرآنی که این مسأله نیز موافقان و مخالفانی دارد.

پنجم: اعجاز علمی قرآن نیز از دیگر اصطلاحاتی است که در دهه‌های اخیر از سوی برخی دانشمندان به کار رفته، اما موافقان و مخالفانی داشته و خصوصاً در مورد به کار بردن اعجاز و تطابق آن با تعریف کلامی اعجاز بحث‌هایی صورت گرفته است؛ در این مقاله سعی شده کلام مقام معظم رهبری در باب مرجعیت علمی قرآن مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد مرجعیت علمی قرآن برای همه علوم از جمله در مورد علوم انسانی در چند جهت از نظر معظم‌له مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله از جهت مبادی و مبانی، از جهت اعتقادی، از جهت نیازهای جامعه، از جهت نگرش، از جهت بینش و گرایش و بالآخره از جهت مأخذ.

**کلید واژه‌ها:** مرجعیت علمی قرآن، مقام معظم رهبری، استفهام قرآنی، علوم انسانی، مبانی مرجعیت، مبانی علمی و فلسفی، تولید علم، علوم غربی.

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه قم golamhosein.arabi@gmail.com

## طرح مسأله

به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری در باب "تولید علم" و "مرجعیت علمی قرآن" بیاناتی را به مناسبت‌های مختلف ارائه فرموده‌اند، که متأسفانه به‌خوبی مورد توجه برخی قرار نگرفته است. اگر مضمون بیانات ایشان در مورد "تولید علم" به‌درستی تصور شود بلافاصله مورد تصدیق قرار خواهد گرفت.

در این مقاله سعی شده با تحلیل درست بیانات معظم له حدود و ثغور "مرجعیت علمی قرآن" و فرایند تولید علم مفید و کاستن از مضراتی که علوم غربی بر اساس خدا ناباوری و دین‌ستیزی تولید کرده و بر جوامع علمی دنیا از جمله جهان اسلام دیکته کرده‌اند؛ به راه‌حل‌های نوینی دست یافت.

تأکید ایشان بر ضرورت دانش‌پژوهی، مسلح شدن به روش‌های نوین تحقیق و استفاده از دانش‌های دیگران نشان دهنده نگرش وسیع، عدم جمود، و بسنده نکردن به دانش گذشته، توسعه دانش‌های مختلف با اتکاء به جهان‌بینی قرآن و بومی کردن علوم برای پرهیز از درغلتیدن در مضرات و اهداف تولید کنندگان غیرمسلمان است.

همچنین سخنان ایشان نشان‌دهنده آن است که پشتوانه این بیانات مطالعه عمیق در قرآن و سنت و فرایند تولید علوم در غرب می‌باشد. غرب اولین تیشه را به ریشه دین زد و البته دین رایج در غرب و علمای دینی با قشری‌گری، جمود و تعصب بی‌جا و ستیز با علم، راه را برای چنین نبردی به نفع تولید کنندگان علم فراهم کرد. اما دین اسلام که همواره مشوق علم و تعقل بوده است و علمای اسلامی که با اصل: تقدم حکم عقل بر ظاهر نقل (با تأویل ظاهر به نفع حکم قطعی عقل) و با اصل تقدم علم قطعی (نه نظریات و فرضیات تثبیت نشده) بر ظاهر شرع (با تأویل ظاهر به نفع علم) راه درست سازواری بین دین و عقل و راه سازگاری بین علم و دین را پیموده‌اند؛ توانستند در دوره اقتدار اسلامی، جهان اسلام را به مرکز انواع علوم و دانش‌ها مبدل سازند؛ اکنون نیز مسلمانان و خصوصاً مراکز علمی ایران و دانش‌پژوهان آن می‌توانند و باید با تلاش مضاعف چنین هدفی را دنبال نمایند.

در این مجال سعی می‌شود که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری عناوین زیر مورد بررسی قرار گیرد.

## پیشینه و زمینه جدایی تولید علم از متون دینی

ستیز کلیسا و نهاد دین در غرب با هرگونه نوآوری و تهدید دانشمندان و تفتیش عقاید و تحمیل انواع تضییقات بر قشر نوپرداز و مولد علم، منجر به دوری دانشمندان از نهاد دین و تحولات بنیادین نه تنها در جریان تولید علم، بلکه در مورد نهاد دین نیز گردید. نمود بارز این جریان، جدایی از دین و مبانی دینی و انسان‌گرایی مطلق غرب در ساحت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و علوم بوده است، حتی علوم دینی و دین‌شناسی نیز محکوم به نگاه بیرونی و انسان‌محور شد، و این نبود مگر در نتیجه عملکرد نادرست کلیسا و نهاد دین. مقام معظم رهبری در این مورد فرموده‌اند:

..... تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده، البته آن‌ها حق داشتند، دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را درجات مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود، توهّمات و خرافاتی بود با عنوان دین، دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که گره‌ها و عقده‌ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زبندگان فکری باقی بماند و برایش راه علاج‌های ضد دینی و غیردینی پیدا کنند، لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آن‌ها مسئله است، لیکن مسئله ما این نیست. در جهان بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان بینی که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء الطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولید کننده و تشویق کننده علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید، ببینید حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن‌چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی‌سابقه بود — در همه زمینه‌ها — و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد.

پایه و مبنای علوم انسانی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶) علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است، مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است، این مبنای غلطی است (سخنرانی در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸) ... مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است... (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸) ... غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند... از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و فلسفه و حتی فلسفه دین... این معنایش این نیست که هر آنچه آن‌ها فهمیده‌اند، درست است. (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) ... مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیر الهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است. این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۴/۱۱)

### **چیستی مرجعیت علمی قرآن**

از مجموع سخنان رهبری که به مناسبت‌های مختلف ایراد شده به ویژه برای مخاطبان حوزوی و دانشگاهی می‌توان تعریف زیر را برای مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه ایشان برداشت کرد.

مرجعیت علمی قرآن به این معنی است که مسلمانان باید مواد، مبانی و اهداف علوم را بر اساس معارف قرآنی، جهان‌بینی الهی و انسان‌شناسی اسلامی سامان دهند و قرآن کریم این ظرفیت را دارد که مرجع و منبع علوم قرار گیرد. صورت علوم در قرآن نیامده، اما معارف بلند قرآن در بردارنده مواد علوم و سایر زیرساخت‌های دانش‌های مختلف می‌باشد.

این مفهوم از مرجعیت علمی قرآن را در بیانات مختلفی ابراز کرده‌اند؛ از جمله:

... ما در باب عملیات ... مسائل اقتصادی و نظامی و سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقی خود را بایستی از دین در بیاوریم... (سخنرانی در جمع مدرسان حوزه علمیه قم، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰) [باید] پایه‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام را مستحکم [کرد] (سخنرانی در جمع اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲)

... علما ... موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه [ها] از متون الهی بیرون بکشند... (سخنرانی با اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹) ... مواد [علوم] در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد... (سخنرانی در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جست‌وجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهم است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند به این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. (سخنرانی در دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

... شما به مبانی خودتان نگاه کنید، ما تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آن‌ها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند، مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد، باید یک بنای این چنینی و مستقل بسازیم... (سخنرانی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)

مسئله قرآن و مرجعیت قرآن و رجوع به قرآن و استفهام از قرآن در مسائل گوناگون فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مانند این‌ها خیلی ... مهم است... (سخنرانی در دیدار با دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی، ۱۳۹۶/۲/۱)

[مرجعیت علمی قرآن به این است که علوم] را از آن ریشه به اصطلاح غیردینی یا بعضاً ضد دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم ... (همان)

پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد (سخنرانی در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)، حقیقتاً باید در منابع اسلامی جستجو کنیم. این منابع، فراوان هم هست... در قرآن، در حدیث، در نهج‌البلغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حکمی بحث‌های زیادی وجود دارد که همه‌اش می‌تواند منبع

مورد استفاده‌ی ما در پیدا کردن نظریه ناب اسلامی باشد. (سخنرانی در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)؛ البته از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند؛ لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد. (همان)

## مهجوریت علمی قرآن

مقام رهبری در بیانات مختلف و برای مخاطب‌های گوناگون مسئله مهجوریت قرآن را مطرح نموده و لزوم بازگشت به قرآن کریم در همه زمینه‌ها را بازگو کرده‌اند؛ همچنین به زمینه‌های این مهجوریت در سخنانی کوتاه و گذرا اشاره فرموده‌اند؛ از جمله:

... مشکل بزرگ مسلمانان دنیا دوری از قرآن است؛ علاج هم برگشت به قرآن است ... قرآن برای شناخت و

معرفت است. (سخنرانی در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم، ۱۳۷۹/۸/۹)

... می‌بایست علم قرآن ... به‌عنوان یک علم و یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد ... این انزوای قرآن در حوزه‌های علمی و عدم انس ما با قرآن برای ما خیلی مشکلات درست کرده است ... من یک وقت در سال‌های قبل از انقلاب در مشهد در درس تفسیر به طلبه‌ها می‌گفتم که ما از اول "بدان ایدک الله" تا وقتی که ورقه اجتهادمان را می‌گیریم، می‌توانیم حتی یک بار به قرآن مراجعه نکنیم ... چون درس ما اصلاً از قرآن عبور نمی‌کند. متأسفانه حالا هم که نگاه می‌کنیم می‌بینیم همین‌طور است ... قرآن از حوزه ما منزوی است. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

این قرآن یک اقیانوس بی‌پایان است، خیلی حقایق است، نه خیلی، بلکه بیشتر حقایق عالم را که ما می‌توانیم از قرآن بفهمیم هنوز نفهمیده‌ایم. (سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۲/۲۹)

این انزوای قرآن از حوزه‌های علمی و عدم انس ما با قرآن، برای ما خیلی مشکلات درست کرده است و بعد از این هم خواهد کرد و به ما تنگ‌نظری خواهد داد. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

راستی چه چیز باعث چنین مهجوریتی شده است؟ مطالعه گذشته علمی مسلمانان و وضعیت فعلی، ما را به زمینه‌های این مهجوریت راهنمایی می‌کند. در گذشته وقتی مسلمانان با میراث فرهنگی و علمی تمدن‌های اطراف خود آشنا شدند، برخورد انفعالی نکردند؛ برخورد متفکرانه و تعامل سازنده با میراث علمی بیگانگان باعث شد. که اول دانش‌های مختلف را به‌خوبی ترجمه و فراگیرند، آن‌گاه به نقادی پرداخته و سپس آن‌ها را با مبانی، مواد و اهداف قرآنی بازسازی و تبدیل به دانش‌هایی بومی و اسلامی بسازند.

متأسفانه بعد از دوره رنسانس، غالباً مسلمانان به ترجمه دانش‌های غربی اکتفا نموده و گاه دچار غرب‌زدگی شدند تا جایی که خود را بی‌نیاز از دین و قرآن پنداشتند. عوامل مختلف دست‌به‌دست داد تا آن‌جا که برخی مسلمانان روشنفکر همان موضع ضد دینی بیگانگان را موبه‌مو ترجمه و به خورد مسلمانان دادند. این داستان سردرازی دارد و ما در این‌جا درصدد تشریح و تفصیل آن نیستیم؛ اما به لحاظ این‌که در بیانات مقام رهبری به

این جریان‌های اشارتی رفته است، لازم دیده شد که به اختصار توضیح داده شود. مسلمانان در گذشته با ره‌توشه قرآنی و معارف دینی به سراغ علوم رفتند و لذا نه دچار غرب‌زدگی شدند و نه شرق‌زدگی و نه از این دانش‌ها دچار تزلزل گشتند، بلکه محتوای آن‌ها را با مواد و مبانی قرآنی و جهان‌بینی اسلامی سازگار نموده و عمق بخشیدند؛ اما با گسستگی که پس از دوره رنسانس و در دنیای جدید بین علم و دین پدید آمد و در جهان اسلام نیز تأثیر گذاشت، کم‌کم دانش قرآنی و اسلامی و تعهد دینی افرادی که با دنیای جدید و علوم نو آشنا شدند، به صفر گرایید و همان نگاهی را که غربی‌ها به دین داشتند، این افراد نیز طابق النعل بالنعل پیدا نموده و در نتیجه بدون مطالعه قرآن و اسلام همان قضاوتی را درباره دین کردند که بیگانگان نسبت به دین خود داشتند. این گسست باعث شد که قرآن در مهجوریت علمی قرار بگیرد.

از طرفی حوزه‌های علمیه نیز به لحاظ دوری از سیاست و انزوای از دنیای جدید به همان علوم متداول حوزوی بسنده کرد و سایر علوم را که در گذشته، حوزه‌ها پیش‌تاز بودند به فراموشی سپرد و گمان کرد که دانشگاه‌ها آن عرصه‌ها را پر کرده است؛ از این رو مهجوریت عظیم و اسفناک برای قرآن رقم خورد.

پیشگامی مسلمانان قرون اولیه و پس از نهضت ترجمه در جهان اسلام، در دانش‌های گوناگون از جمله طب و ایجاد بیمارستان‌ها، داروسازی و علوم طبیعی، نجوم و ریاضیات، فیزیک، شیمی، فنون صنعتی، هیدرولیک، جغرافیا و جهان‌گردی، تاریخ‌نویسی، ملل و نحل، فلسفه و کلام و حکمت، تعلیم و تربیت، سیاست و علوم اجتماعی و اداری، هنر، عرفان، ادب و ... شاهد بر تعامل فعال مسلمانان با علوم، فرهنگ و تمدن‌ها بوده است. (برای تفصیل بیشتر ر.ک: عبدالحسین زرین‌کوب، کارنامه اسلام، نیز به مقدمه ابن خلدون)

مقام رهبری در بیانات مختلفی به آن پیشرفت‌ها و این عقب‌گردها به اجمال اشاره فرموده است؛ از جمله: قرن نوزدهم، که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می‌باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه زندگی است. این تفکر، در کشور ما هم اثر گذاشت و پایه اصلی دانشگاه ما بر مبنای غیردینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه‌های علمیه رو گردانیدند. این پدیده‌ی مرارت بار، هم در حوزه علمیه و هم در دانشگاه‌ها سوء اثر گذاشت. در حوزه‌های علمیه سوء اثر گذاشت، زیرا علمای دین را صرفاً به مسائل ذهنی دینی - و لا غیر - محدود و محصور کرد و آن‌ها را از تحولات دنیای خارج بی‌خبر نگه داشت. پیشرفت‌های علم از نظر آن‌ها پوشیده ماند و روح تحول‌گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی - که همواره در تحولات عظیم جهانی، چنین تحولی در استنباط دین و فقه اسلام وجود داشته است و فقه برای رفع نیاز جامعه، مستند به قرآن و سنت است - در حوزه‌ها از بین رفت. حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند... مسائل اصلی فقه - مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی - منزوی و متروک و نسیا منسیا شد ... این ضربه‌ای بود که به حوزه‌های علمیه وارد آمد (سخنرانی در دیدار با جمعی از دانشگاهیان و حوزویان، ۱۳۶۸/۹/۲۹) ریشه التقاط و وابستگی به مکتب‌های غلط و کم‌عمق در جامعه‌ی ما

آن وقتی رویش پیدا کرد که اصول دین و معارف اسلامی، در دست غیرفقها قرار گرفت. حرف من این نیست که آن روز، فقها معارف اسلامی را می گفتند و غیرفقها آمدند و خودشان را داخل در معرکه کردند، بلکه الحق و الانصاف باید بگوییم: آن روز که تفکرات و فلسفه‌ها و جاذبه‌های جدید فکری به وجود آمد، فقهای اسلام باید کمر همت می بستند و در گود استدلال و بحث و انتقاد می افتادند... که جاذبه‌های دیگر را از مغزها بگیرند و یا کم و ضعیف کنند. آن روز فقها و بزرگان دین، به این مسائل اصولی، کمتر پرداختند... و دیگران شروع به بیان قرآن و گفتن فلسفه و نوشتن توحید و معاد برای مردم کردند... (سخنرانی در دیدار با گروهی از طلاب مدرسه عالی شهید مطهری (ره)، ۱۳۶۴/۹/۹)

در گذشته اگر کسی می خواست در حوزه مقام علمی پیدا کند، بایستی به تفسیر نمی پرداخت. یک آقای ملای محترم عالمی فرضاً اهل تفسیر باشد و مردم از تفسیر او استفاده کنند، بعد برای خاطر این که این درس موجب می گردد او به بی سوادی شهره بشود، این درس را ترک کند؛ شما را به خدا این فاجعه نیست؟ (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید، مبلغان و محققان حوزه های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۶/۸)

مورد دیگر که ظاهراً باعث انزوای قرآن شده "ترجمه علوم بدون تمحیص و مقارنه با مبانی قرآنی و دینی است"؛ در این مورد فرموده‌اند:

... این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز مطلوبی نیست... (سخنرانی در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸)

یکی از زمینه‌های مهجوریت علمی قرآن دورماندن حوزه‌ها و علمای دین از مسائل و علوم روز و نیازهای علمی و در نتیجه تعطیل نظریه پردازی از سوی متخصصان دینی در موارد مذکوره است؛ زیرا با عقب نشینی حوزه‌ها و علمای دینی، دیگرانی که تخصص و تعهد دینی ندارند جایگزین می شوند؛ در این مورد مقام رهبری فرموده‌اند: ... نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می آید و جایگزین می شود... (سخنرانی در دیدار با حوزویان قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

## قلمرو مرجعیت علمی قرآن

همه مسائل نظری و علمی مورد نیاز جامعه می‌تواند در قلمرو مرجعیت علمی قرآن قرار گیرد؛ اما در بیانات مقام رهبری روی علوم انسانی تأکید بیشتری شده است. عمومیت قلمرو مرجعیت علمی قرآن از آن روست که قرآن با مواد همه علوم برخورد دارد و از همه ابعاد هستی سخن به میان آورده است؛ ولی اهمیت علوم انسانی که مورد تأکید فراوان و مکرر رهبری قرار گرفته است ناشی از این است که علوم انسانی امروز دچار کاستی‌های فراوانی است و از چند جهت قابل بررسی است:

### **اول، از جهت مبادی و مبانی:**

... علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است، مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است... (سخنرانی در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

### **دوم، از جهت اعتقادی:**

... آن‌چه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم، این چیز خیلی مطلوبی نیست... (سخنرانی در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۸/۶)

### **سوم، از جهت نیازهای جامعه ما:**

... علوم انسانی اهمیت دارد، علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی‌کند... (سخنرانی در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۶/۱۴)

### **چهارم، از جهت نگرش:**

... علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان‌بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی برخاسته از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. قبلاً که علوم انسانی وجود نداشته است، آن‌ها آمده‌اند همین اقتصاد را همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خوب، این به درد ما نمی‌خورد. این علوم انسانی، تربیت شده و دانش آموخته خود را آن‌چنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم — چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد — نگاه غیراسلامی است... باید پایه‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام [باشد]... (سخنرانی در دیدار با حوزویان قم، ۸۹/۸/۲)

### **پنجم، از جهت بینش و گرایش:**

علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه دانش‌ها، همه تحریک‌های برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم

می‌رویم، دانش ما به دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست، چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده بی‌نظیر تاریخی است، اما این دانش در طول سال‌های متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالا کشیدن ثروت ملت‌ها به کار رفته، امروز هم که می‌بینید چه کار دارند می‌کنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت‌گیری غلط است... (سخنرانی در دیدار با جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳)

[غربی‌ها] به کمک علم و فناوری، زور و سرنیزه و سیاست و تبلیغات پیشرفته‌اند و باز هم تعمیم غربی‌ها این است که در دنیا با کمک همین ابزارها پیش بروند... (سخنرانی در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳/۱۰/۳) ... ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیرمفید است، ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است... (سخنرانی در دیدار با جمعی از حوزویان قم، ۱۳۸۹/۸/۲)

### **ششم، از جهت مأخذ:**

علوم انسانی کنونی در جهان اسلام غالباً محصول ترجمه صرف و تقلید از غرب است، لذا می‌طلبد که از نو براساس مبانی قرآنی، بازسازی و تولید شود. در این مورد فرموده‌اند:

ما در بخشی از علوم انسانی، قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم، خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می‌آیند. چرا این‌ها را دنبال نکنیم؟ در رشته‌های گوناگون علوم انسانی، ادبیات، فلسفه، تاریخ، هنر، ما خیلی سابقه داریم. بعضی از علوم انسانی دیگر هم هست که اگرچه از غرب آمده، اما اگر درست دقت کنیم خمیرمایه آن که عبارت از عقلانیت و تجربه‌گرایی است، از تفکر و روح ایرانی - اسلامی است. اروپای خرافی نمی‌توانست زیست‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و روانشناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند، این، سوغات تفکر علم‌گرایی و تجربه‌گرایی شرق و عمدتاً ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد، به‌هرحال، در این چیزهایی که عقب هستیم باید خودمان را جلو ببریم و خودمان را ابداع کنیم، ترجمه نکنیم، ترجمه‌گرایی زیان‌های بسیار بزرگی برای ما دارد. (سخنرانی در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۶/۶/۱۲) ... ما نباید به ترجمه و فراگیری اندوخته‌های دیگران اکتفا کنیم... باید فرا گرفت؛ لیکن علم را باید تولید کرد. من به اقتباس معتقدم، اما به ترجمه محض و اکتفایی ترجمه معتقد نیستم (سخنرانی در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۱/۷/۳) ... باید علم آفرینی کنیم (سخنرانی در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲) ... ما آغوشمان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الآن در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود. (سخنرانی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳)

... ما به هیچ وجه نگفتیم که دانسته‌های غربی‌ها را که در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی پیشرفت‌های چند قرنی زیادی داشتند، یاد نگیریم یا کتاب‌های این‌ها را نخوانیم ما می‌گوییم تقلید نکنیم ما می‌گوییم علوم

انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و این را به دنیا صادر کنیم. ما باید در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم (۶ الویت کاری دولت یازدهم در حوزه‌های آموزشی علم و فناوری، ۱۳۹۲/۶/۷) نباید ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم این جایز نیست، ما باید علم خودمان را تولید کنیم و آن را بجوشانیم (سخنرانی در دیدار با جمعی از نخبگان و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳) در دوران ورود دانش جدید به کشورما، آن چه که وارد شده عبارت بود از تقلید و ترجمه، البته منظورم ترجمه یک اثر ارزشمند نیست - که یک کار لازم است - منظورم فکر و ذائقه و روحیه ترجمه است، یعنی قدرت ابتکار را از یک ملت گرفتن (سخنرانی در دیدار با جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲) جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر ... فلان جامعه‌شناس [غربی] این جوری گفته؛ این دیگر برو و برگرد ندارد، چرا؟ بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم، بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم، این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است... (سخنرانی در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷) ... علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نوآوری و نواندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد... ده‌ها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و براساس آن‌ها تعلیم و تعلم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم. باید متون علمی را خواند و دانش را از هر کسی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است. (سخنرانی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم، مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که براساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص نقش ایفا کنند. اینجا از آنجایی است که ما باید به تولید علم برسیم. (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۸/۸) شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی پایه‌ها و مایه‌های محکمی در اینجا دارد، یعنی در فرهنگ گذشته خود ما، برخی از علوم انسانی هم تولید شده غرب است. ما هم برای سر جمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه‌هایی که آن‌ها در این علم جمع آورده‌اند به یک نگاه علمی احتیاج داریم، منتها گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه‌ی خارج از محدوده‌ی مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست... ما تلفیق بین علوم

انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن، و جو زده شدن در مقابل آن علوم [غربی] نباشد قبول داریم و اشکال ندارد ... (سخنرانی در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)

مقام معظم رهبری برای رفع تمامی کاستی‌هایی که در مورد علوم انسانی مطرح فرموده‌اند، یک نسخه بلابديل را مکرراً به مخاطبان حوزوی و دانشگاهی ارائه کرده‌اند:

... پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد ... (سخنرانی در دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸) ... مبنا باید مبنای قرآنی باشد ... (همان)

## **راهکارهای تولید علم بر اساس مرجعیت علمی قرآن؛**

به‌طور خلاصه آنچه از بیانات مقام معظم رهبری در این باب استفاده می‌شود از این قرار است:

### **۱. فراگیری مایه‌های علوم از فرهنگ علمی گذشته اسلامی**

معظم‌له معتقد است که بسیاری از دانش‌های جدید، در فرهنگ اسلامی و علمی گذشته خود ما، ریشه و پایه دارد. از این رو شناخت گذشته علمی و فرهنگی اسلامی خودمان یک امر ضروری است که باید مدنظر دانشوران قرار گیرد؛ از جمله فرموده‌اند:

... موارد و مفاهیم اساسی ... که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فرآوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم ... (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۸/۸) ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما به شما چه می‌گوید... (سخنرانی در دیدار با جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)

در جای دیگر فرموده است:

... اروپای خرافی نمی‌توانست زیست‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند، این، سوغات تفکر علم‌گرایی و تجربه‌گرایی شرق و عمدتاً ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد... (سخنرانی در دیدار با جمعی از نخبگان، ۱۳۸۶/۶/۱۲)

... شما به مبانی خودتان نگاه کنید... بسیاری از علوم ... مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد... (همان)

### **۲. اقتباس از علوم غربی و پرهیز از ترجمه صرف و تقلید**

در این مورد فرموده است:

ما نباید به ترجمه ... اندوخته‌های دیگران اکتفا کنیم ... علم را باید تولید کرد، من به اقتباس معتقدم، اما به ترجمه محض و اکتفای به ترجمه معتقد نیستم... (سخنرانی در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۱/۷/۳)

... علوم انسانی ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است، حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این ها رایج شد، مدیران براساس آن ها تربیت می شوند؛ همین مدیران می آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می گیرند... (سخنرانی در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۱۳۹۴/۴/۱۱)

... این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی نیاز بدانیم - نه برخی از علوم انسانی ساخته و پرداخته غربی هاست، در این زمینه کار کردند، فکر کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که ... علوم انسانی آن وقتی صحیح و مفید و تربیت کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان بینی الهی باشد؛ ... روی این بایستی کار کرد، فکر کرد،... (سخنرانی در دیدار با دست اندرکاران جشنواره عمار، ۱۳۹۱/۱۲/۱)

اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه های معرفتی علوم انسانی غربی امکان پذیر نیست... (سخنرانی در دیدار با اساتید و طلاب نخبه حوزه قم، ۱۳۸۹/۸/۲)

من با ورود علوم انسانی به حوزه علمیه اصلاً مخالفتی ندارم... حوزه علمیه باید پایه های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان بینی اسلام را مستحکم بریزد... و این ممکن نخواهد شد، مگر این که با علوم انسانی آشنا باشیم... (سخنرانی در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه ی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲) علوم انسانی، هوای تنفسی مجموعه های نخبه کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند. بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است. (همان). رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد... علم را وارد کنید عیبی ندارد، اما حداقل به همان اندازه که وارد می کنید یا بیشتر صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد؛ و الا اگر شما دائماً ریزه خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فراگیرید، اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید... البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست: جامعه شناسی، روان شناسی، فلسفه، نظریه های جامعه شناسی غرب... بنشیند فکر کنید، نظریه پردازی کنید، از موجودی این دانش های در دنیا استفاده کنیم، بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. (سخنرانی در دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

### **۳. شناخت نحوه پایه ریزی عناوین و صورت بندی مسائل و تدوین مبانی علمی و فلسفی**

در این مورد فرموده است:

... علوم انسانی را بخوانند، این ها را یاد بگیرند، صورت بندی مسائل و عناوین را در این علوم فرا بگیرند؛ بعد برگردند به مبانی اسلامی (سخنرانی در دیدار با اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲)... به نظر بنده اساسی ترین کار هم این است که مبانی علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار

اساسی و کار اولی است که بایستی انجام بگیرد. (سخنرانی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹) ... پایه علم هم بر فلسفه است؛ فلسفه نباشد، علم وجود ندارد. اگر استنتاج فلسفی نباشد، اصلاً علم می‌شود بی‌معنا. (سخنرانی در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۶/۱۴)

#### ۴. بررسی و استخراج مبانی قرآنی و اسلامی علوم

در این مورد فرموده‌اند:

... باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد... (سخنرانی در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸) ... علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آن‌ها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. (سخنرانی در دیدار با اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

#### ۵. متد استنباط

در متد و روش استنباط، طبیعی است که در هر حوزه‌ای از علوم، متد خاصی به کار گرفته می‌شود؛ در واقع متد هر دانشی باب ورود به اجتهاد در آن دانش است. روش‌ها گاه انسان طالب را به بیراهه کشانده است، لذا در استنباط از منابع اسلامی، قرآن و سنت و عقل باید از متد و روش صحیحی استفاده کرد؛ از این رو مقام معظم رهبری در مورد متد استنباط سخنان ژرف و لازمی را به مناسبت‌های مختلف بیان فرموده‌اند؛ از جمله:

... این شیوه استنباط را به عنوان "فقاہت" اصطلاح می‌کنیم، همین روش رد فروع به اصول ... (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱) معارف، اصول، اخلاقیات، احکام فردی، احکام اجتماعی و غیره را دو گونه می‌شود از کتاب و سنت استفاده و استنباط کرد: یک‌طور به شیوه فقاہت و یک‌طور به شیوه غیرفقاہت... فقاہت یک روش و شیوه استنباط است، علم است، این علم را باید آموخت... استنباط از دین یک روش علمی دارد و کار عامیانه‌ای نیست. هر کس از هر کجا رسید نمی‌تواند از قرآن و سنت استنباط کند... اگر روش فقاہت را از میان بردارند، دیگر چیزی از دین باقی نمی‌ماند... (سخنرانی در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰) شیوه غیرفقاہت، این است که یک نفر قرآن را باز کند، اگر عربی می‌داند به متنش نگاه کند، حتی اگر عربی هم نمی‌داند، به ترجمه آن مراجعه کند و احکام دین و معارف و اعتقادات و اخلاقیات و اداره مجتمع و اداره فرد و این قبیل چیزها را یاد بگیرد و بفهمد. این، همان روشی است که دستگاه‌هایی که ادعای تدین می‌کردند، اما دستگاه روحانیت را قبول نداشتند، خیلی دوست داشتند. منطقتشان هم این است که می‌گویند: قرآن مگر برای عده مخصوصی است، قرآن برای همه است. من قرآن را باز می‌کنم، حالا من یک مهندس‌ام، یک دکترم، یک آدم کاسب معمولی‌ام، یک روحانی درس نخوانده معمم کم‌اطلاعم، هر چه هستم، بالاخره ظاهر و باطنی را که می‌فهمم. او از این قرآن،

فلسفه و تاریخ و حکمت و سیاست و اقتصاد و همه چیز را استنباط می کند... ممکن است در جاهایی هم مصیب باشد، اما در جاهایی هم مخطی خواهد بود و مأمون از خطا نیست... یک اشتباه در یک مجموعه معارف، کار را خراب می کند... پس روش غیرفقهاتی در استنباط احکام و معارف اسلامی، یک روش نامطمئن است و روش نامطمئن، در مسائل حیاتی قابل پیمایش نیست. روش مطمئن، عبارت از روش فقهت است... (سخنرانی در دیدار با طلاب مشهد، ۱۳۶۶/۱/۵)

بدیهی است که استنباط مبانی و اصول علوم از قرآن و سنت نیاز به چنین روشی دارد؛ زیرا بسیاری از علوم مباحثی مربوط به دانش فقه نیز دارد که متد فقهاتی را طلب می کند؛ مباحث متنوع علمی جهان امروز، می طلبد که علم فقه به بسیاری از آن مباحث علمی ورود پیدا کند؛ این مهم از نظر مقام رهبری نیاز به پویایی حوزه های علمیه دارد؛ تا دست پرورده های آن بتوانند پس از گذر از مقدمات راهکارهای تولید علم، در استخراج و استنباط علوم از قرآن و سنت، راه موفقی را پیمایند.

### **۶. کارآمدی مراکز علمی و به روز شدن**

یکی از راهکارهای تولید علم براساس مرجعیت علمی قرآن و سنت، این است که مراکز علمی و محققان علوم اسلامی روزآمد و کارآمد شوند؛ یعنی از عرصه مسائل فردی و سنتی گذشته عبور کرده و مسائل روز و پرسش های نوآمد را که محصول پیشرفت علم و صنعت و ارتباطات جهان امروز است، در چشم انداز خود قرار دهند.

مقام معظم رهبری در این مورد فرمایش هایی دارند؛ از جمله:

... ما در دوران های گذشته، گروه محکومی بودیم، حکومت ها داشتند کار خودشان را می کردند و گاو خودشان را می دوشیدند، ما هم در این چارچوبی که حکومت تشکیل داده بودند و در این اتوبوس یا قطاری که حکومت ها مردم را سوار کرده بودند و به سمتی حرکت می دادند، درحالی که خودمان هم با این اتوبوس یا قطار حرکت می کردیم، می خواستیم چیزی در خصوص ارتباطات فردی افراد و مسافران به آن ها یاد بدهیم (سخنرانی در جمع علما و مدرسان قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) ... وقتی در باب مسائل مالی اسلام بحث می کنیم، باید این نکته را مورد نظر قرار دهیم که امور مالی جامعه و نظام اسلامی چگونه باید بگذرد... بحث بر سر حقوق مسلمانان ... درآمد عام و عمومی جامعه اسلامی چیست؟ (سخنرانی در جمع طلاب و فضلاء مشهد، ۱۳۶۶/۱/۵)

مجموعه از علوم انسانی و غیره که دارای تأثیر در استنباط و تنقیح موضوعات فقهی اند، باید مورد عنایت قرار گیرند... (پیام مقام معظم رهبری به جامعه مدرسین، ۱۳۷۱/۸/۲۴)

پول از موضوعات امروز ماست... ما باید قضیه اسکناس، اعتبار پولی و اعتبار بانکی و نظایر آن را بدانیم... مسائل بانکداری [باید ورود کنیم] (سخنرانی برای روحانیون خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۱۸)

... فقه... می تواند در تکمیل و پیشرفت دانش حقوق مورد بهره‌برداری قرار گیرد و راه‌های تازه‌ای را در برابر محققان مراکز حقوقی جهان بگشاید. (پیام به نخستین کنگره دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

... باید حرف‌های تازه دین را در بیاوریم... این طور نیست که همه حرف‌های دین همین چهارتا حرفی است که من و شما در منبرها یا در کتاب‌های علمی و تبلیغی و رساله‌ها بیان کرده‌ایم؛ نه خیر، بیش از این‌ها است؛ شما جلو بروید، خدا به شما حرف جدید خواهد داد. ما در باب علمیات هم نمی‌گوییم راه بسته است... (سخنرانی در جمع حوزویان قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) ... کلام، در هر دوره‌ای مسائلی خاص دارد. به عنوان مثال، کلام زمان علامه حلی - رضوان الله علیه - کلام امروز نیست. این فایده ندارد. [در زمان ما] یکی از بحث‌های مهم در مسئله کلام، فلسفه دین است. حتی فلسفه اخلاق هم شاید یکی از مباحث کلام جدید باشد. (سخنرانی در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه قم ۱۳۷۴/۹/۱۴) عدم گسترش کافی و لازم علم کلام... حقیقتاً فاجعه است... کار حوزه تولید فکر تکاملی است... (سخنرانی در جمع فضلاء حوزه قم ۱۳۷۴/۹/۱۴) باید به‌روز باشید. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۶/۲۱) باید دید در وادی معرفت در سطح بشری، چه کار دارد می‌شود. بایستی پی‌درپی کارهای جدید، روش‌ها و متدهای جدید در حوزه مطرح بشود. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۲۶)

معظم له در بیانات دیگری به انواع موضوعات روز که مساس کاملی به علوم روز دارد و از جهتی به علوم اسلامی از جمله کلام، فلسفه و فقه ارتباط پیدا می‌کند، پرداخته و چشم‌انداز وسیعی را از علوم مختلف و مرتبط برای محققان مطرح فرموده است؛ از جمله:

... موضوع درهم و دینار... مسئله پول و ... آیا جای این نیست که قدری بیشتر در عمقش فرو برویم... بحث ارزش پول در هنگام تورم‌های سرسام‌آور... بسیاری از مباحث حکومتی... (سخنرانی در جمع فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۹/۱۴) امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد، احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند، احکام انواع و اقسام قراردادها را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

... چقدر در باب حقوق مدنی، حقوق جزا و انواع و اقسام مباحث حقوقی، تحقیقات گوناگون شده است... ما در این زمینه‌ها انصافاً عقیم... (سخنرانی در جمع فضلاء حوزوی قم، ۱۳۷۴/۹/۱۴) امروز ما با شبکه‌های اقتصادی دنیا مواجه‌ایم؛ مسئله نفت، مسئله دلار، مسئله تجارت خارجی، مسئله منابع اولیه... چه کسی باید آن‌ها را استنباط کند؟ (سخنرانی در جمع روحانیون نیشابور، ۱۳۶۵/۴/۲۹) آیا دولت در فعالیت‌های اقتصادی جامعه، نقشی دارد یا نه؟ آیا دولت حق نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی را دارد یا نه؟ ... دولت حق فعالیت اقتصادی دارد... تکلیف چیست؟... اگر مردم سود بردند دولت از این سود حقی دارد یا نه؟ ... آیا منابع عمومی... متعلق به مردم آن جامعه است که در آن عصر زندگی می‌کنند، یا نسل‌های

آینده هم در آن سهمی دارند؟... دولت چگونه باید از آن استفاده کند؟ و... (سخنرانی در جمع طلاب مشهد، ۱۳۶۵/۱/۴) امروز معاملات پیچیده است. (همان) مسئله احتکار و ... (همان) یک روز مسئله احتکار و انحصارات به شکلی که امروز مطرح است، مطرح نبود. (همان) آیا در مبادلات اقتصادی ما و کشورها، ما حق داریم... استعمار کنیم یا نه؟... آیا جایز است که ما درآمدهای کشورمان را به یک کشور دیگر ببریم و خرج کنیم یا نه؟... (همان) دولت اسلامی با کدام یک از دولت‌ها ارتباط برقرار کند... این جامعه، حکومتش چه طوری باید باشد؟. (همان) بنشینند... این‌ها را تنقیح و مشخص کنند... (سخنرانی در جمع مدرسین و طلاب سازمان تبلیغاتی اسلامی تهران، ۱۳۶۳/۶/۲۷) باید در کنار مباحث اساسی و اصلی، به مباحثی بپردازیم که پیشرفت علم و فلسفه در دنیا پیش آورده است. فلسفه غرب تحولات و تطوراتی داشته است. تفکر غربی راه‌های ناپیموده را در طول صد سال اخیر پیموده است. حرف‌های جدیدی پیدا شده است... این‌ها همه‌اش تأثیر می‌گذارد... متفکرین فلسفه‌دان... باید حرف‌های متفکرین فلسفه غربی را بشناسند و بدانند این‌ها چه می‌گویند و حرفشان چیست؛ تازه‌های آن‌ها را بدانند. (سخنرانی در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۶/۲۱)

... نقص فلسفه ما... این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد، فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم‌وبیش تکلیف معین می‌کنند، یعنی سیستم اجتماعی را معین می‌کنند، سیستم سیاسی را هم معین می‌کنند، وضع حکومت را هم معین می‌کند، کیفیت تعامل مردم را هم معین می‌کند، فلسفه ما به کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند، امتداد پیدا نمی‌کند، شما بیایید این امتداد را تأمین کنید... این‌ها را مشخص بکنید... [از مبانی فلسفی اسلامی می‌توان] یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی درست کرد... فلسفه‌های مضاعف [مثل] فلسفه اخلاق، فلسفه اقتصاد و ... این یکی از کارهای اساسی است... (سخنرانی در جمع فضلای علوم عقلی حوزه قم، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹) ... ارتباط ... با مسائل جهانی، با فرهنگ‌های جهانی، با مطبوعات جهانی، با کتاب‌ها، با نوشتجات و با پیشرفت‌های فرهنگی و علمی... حائز اهمیت است... امروز در جامعه ما آن کسانی که بتوانند با زبان‌های زنده دنیا صحبت کنند و معارف الهی و پیشرفت‌های فکری و فرهنگی اسلامی را برسانند، خیلی کم هستند و این خلأ باید به گونه‌ای پر شود. (سخنرانی در جمع طلاب مدرسه در راه حق، ۱۳۶۳/۶/۷)

به نظر می‌رسد بیانات معظم له راهکارهایی است، جهت به‌روز شدن و کارآمد شدن محققان، در راستای هرچه عمیق‌تر شدن استنباطات براساس قرآن و سنت و اگر چنین تحولی در مراکز علمی و محققان حوزوی و دانشگاهی رخ دهد، بی‌شک مرجعیت علمی قرآن شکوفا خواهد شد.

#### ۷. تشکیل میزگردها و کرسی‌های نظریه‌پردازی و نواندیشی (در کمال آزادی)

به نظر می‌رسد، نظریه‌پردازی و نواندیشی، از جهاتی نیاز به محیط و فضای آزاد، و نیازمند به تضارب آراء و نقادی است، تا میزان صحت و درستی نظریه و اندیشه نو و میزان درستی استنباط آن از قرآن و سنت عقل، در میزگردها و مناظرات علمی و مفید؛ مشخص گردد.

توجه مقام معظم رهبری به این مهم، قابل توجه است؛ زیرا در بیانات عدیده متعرض این مسئله شده و فرموده‌اند:

در عرصه تفکر و نظریه‌پردازی، ما احتیاج داریم به تعداد آراء و تضارب آراء؛ یعنی این که ما می‌گوییم به یک نظریه باید برسیم و نظریه ناب اسلامی را کشف کنیم... آرای متفکران تضارب پیدا کند... این لازم است، این نشاط علمی است. (سخنرانی در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰) ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه، آن‌ها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازی‌های خودمان را داشته باشیم... (سخنرانی در دیدار با دانشگاهیان شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷) فضا در بحث علمی، باید فضایی باشد که اگر کسی نظر جدیدی پیدا کرد، بتواند آن نظر جدید را بیان کند؛ به خصوص بحث‌های علمی که مبتنی بر پایه و مبانی درست استنباط و اجتهاد است، باید قدرت و تاب تحمل حرف مخالف عقیده وجود داشته باشد. (سخنرانی در دیدار با طلاب مشهد، ۲۲/۴/۱۳۷۶)

... مناظره‌های قانون‌مند و توأم با امکان داوری و با حضور هیأت داوری علمی و چه در قالب تمهید فرصت برای نظریه‌سازان و سپس نقد و بررسی ایده‌ی آنان، توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند، بلکه در کلیه علوم و رشته‌های نظری و عملی (پاسخ مقام معظم رهبری به نامه جمعی از حوزویان قم، ۱۶/۱۱/۱۳۸۱) ... گفتگوی آزاد باید از حوزه و دانشگاه شروع شود... در زمینه فقه، فلسفه، کلام و دیگر علوم رایج حوزه... این معنی در دانشگاه‌ها در همه زمینه‌های علمی حتی علوم محض، علوم پایه، علوم طبیعی و علوم انسانی جاری است و در زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی و معارف و علوم حوزوی هم جاری است... (سخنرانی در دیدار با اهل قلم، ۷/۱۱/۱۳۸۱)

... حوزه علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه عظیم انسانی است... فکر تولید کند و حرف تازه‌ای بزند، حرف تازه که تمام نشده است. بزرگان ما می‌گویند که هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم و در آن تدبر می‌کنیم، حرف می‌یابیم که قبلاً نیافته بودیم... (سخنرانی در دیدار با حوزویان قم، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰)

## نتایج تحقیق

۱. ستیز کلیسا و نهاد دین با دانشمندان و نواندیشان موجب جدایی علم و دین و "انسان‌گرایی" مطلق در همه ساحت‌های حیات در غرب شده است.
۲. خرافه‌گرایی نهاد دین در غرب، موجب حق‌به‌جانبی اندیشه‌های ضد دینی یا غیردینی در غرب شده است.

۳. علوم در غرب، خصوصاً علوم انسانی، مبتنی بر مبانی فلسفی غلط و مادی‌گرا است.
۴. مرجعیت علمی قرآن به معنای اخذ مبانی، اهداف و موارد علوم خصوصاً علوم انسانی، از قرآن است؛ (استفهام از قرآن در همه زمینه‌ها)
۵. ترجمه محض و تقلید کورکورانه از علوم غربی موجب مهجوریت علمی قرآن شده است، نیز دوری حوزه‌های علمیه از مسائل روز و بسنده کردن به علوم قدیمیه و متداول و عدم مراجعه مستقیم به قرآن یکی دیگر از موجبات انزوا و مهجوریت قرآن بوده است؛
۶. علوم انسانی غربی از جهات مبادی و مبانی، اعتقادی، نگرش، گرایش و پاسخگویی به نیازها دچار کاستی است، و راه رفع تمامی این کاستی‌ها جستجوی علوم انسانی در قرآن کریم است؛
۷. میراث گذشته شرق از جمله ایران اسلامی و تفکر علم‌گرایی و تجربه‌گرایی آن الهام‌بخش غرب در پیشرفت‌های شگرف علمی بوده است؛
۸. نباید به ترجمه علوم غربی و تقلید از آنان پرداخته شود، اقتباس کار لازمی است؛
۹. در علم باید تولید و نوآوری داشت و نه تقلید و ترجمه؛
۱۰. قرآن اقیانوس بی‌کران است که تمام نیازهای بشر را پاسخگوست؛
۱۱. تفکر و تدبر قرآنی مقدمه رسیدن به علم است؛
۱۲. متد فقاهت متقن‌ترین متد در استنباط علوم از قرآن و سنت است؛
۱۳. کارآمدی و به‌روز شدن مراکز حوزوی و دانشگاهی یکی از مقدمات لازم تولید علم و پاسخ به نیازهای علمی است؛
۱۴. تعامل با مراکز علمی دنیا و آشنایی با کتاب‌ها و آثار علمی دنیا لازمه کارآمدی و به‌روز شدن است؛
۱۵. فقه از پرداختن مسائل به صورت فردی باید به فقه جمعی و حکومتی تحول پیدا کند؛
۱۶. مسائل و نیازهای روز باید در کلام فقه به صورت فعال و روزآمد مورد بررسی و پاسخگویی قرار گیرد؛
۱۷. ارتباط و تعامل با دنیا و آشنایی با زبان‌های زنده دنیا یک ضرورت مبرم است؛
۱۸. آزادی علمی و تحمل نظر مخالف یک ضرورت است؛
۱۹. تحمل نظر مخالف به معنای عدم پاسخگویی یا پذیرش آن نیست، در عین تحمل و در فضای آزاد می‌توان پاسخ داد؛ تضارب آراء موجب پیشرفت است؛
۲۰. کرسی‌های نظریه‌پردازی، و میزگردهای علمی به نشاط علمی می‌انجامد.